

بسم الله الرحمن الرحيم

## توضیح روی کرد اجتماع مدار

هر انسانی که به دنیا می‌آید به طور معمول بهره‌ای از سلامتی دارد؛ چشمانش سالم است، قلبش منظم کار می‌کند، به سادگی غذایی را که می‌خورد هضم و جذب می‌کند، مفصل‌هایش خوب کار می‌کنند. اما اصولاً انسان قدر نعمت سلامتی را نمی‌داند و زمانی که یکی از این بخش‌ها با نقصان مواجه شود او متوجه اهمیت آن می‌گردد. در مورد جامعه هم به همین صورت است. امروز افراد از بدو تولد در کانون خانواده قرار دارند و زمانی هم که وارد اجتماع می‌شوند همواره ساختارهایی وجود دارد تا نیازهای آنها را پاسخ دهد؛ مغازه‌ای وجود دارد تا کالای مورد نیاز خود را تهیه کنند، یا خودروهایی که آنها را به مقصد برسانند. در این حالت است که نیاز انسان به بودن در اجتماع برجسته می‌گردد. اما انسان درست مشابه نعمت سلامتی اهمیت آن را درک نمی‌کند تا زمانی که آن را از دست دهد.

سنگ بنای اولیه‌ی جامعه‌سازی و اجتماعی بودن، درک ضرورت اجتماع است. در فلسفه‌ی اجتماعی در تفکر مدرن و در حکمت جماعت در تفکر دینی، پرسش نخستینی مطرح است: ضرورت تشکیل جامعه چیست؟

به طور کلی می‌توان سه دسته نیاز را تعریف کرد: نیازهای طبیعی؛ که تأمین آنها می‌تواند در متن طبیعت و به صورت انفرادی در میان حیوانات و گیاهان و سایر موجودات رقم بخورد. دوم نیازهای انسانی؛ فرد بعد از پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و حیوانی خود متوجه نیازهای انسانی- عاطفی در وجودش شده و نیاز به خانواده، همسر، فرزند، پاسخ عاطفی به دیگران و ... را احساس می‌کند. انسان در نسبت با دیگران و با تأمین این دست نیازهای خود رشد می‌کند. در نهایت، نیازهای عبودی و روحانی انسان در سطح بالاتر رخ می‌نماید؛ نیاز به پرستش که در فطرت او نهفته است. این نیاز، حس غربت و دور افتادگی را در انسان شعله‌ور می‌سازد و در اینجاست که مسأله‌ی «هجرت» مطرح می‌شود.

این سه دسته نیاز، ما را به سمت جامعه و درک ضرورت آن سوق می‌دهد. نکته‌ی مهمی که بعد از درک ضرورت اجتماع خود را نمایان می‌سازد این است که چگونه باید جامعه‌سازی کرد؟

یکی از بخش‌های اساسی در تفکر استراتژیک مسأله‌ی جامعه‌سازی است. برای جامعه‌سازی مبتنی بر رویکرد اجتماع‌مدار، باید نقشی که افراد در محیط اجتماعی بر عهده دارند را تبیین کرد. در این راستا، سه دسته هویت در افراد جستجو می‌شود: هویت فردی و شخصی؛ فرد باید معین کند که کیست و نسبت به این موضوع تعهد داشته باشد. دوم هویت اجتماعی؛ این هویت است که تمدن می‌سازد و در اینجا فرد از «من» به «ما» تبدیل می‌شود. در بالاترین سطح نیز هویت متعالی؛ که حکمت خلقت انسان در عبودیت و بندگی را رقم می‌زند. پاسخ به این سه دسته هویت، جوهر لازم برای جامعه‌سازی را فراهم می‌سازد.

انسانی که این سه سطح هویت و به تبع آن سه دسته نیاز را دارد، نیازمند جامعه‌ای است که توانا به پاسخ‌گویی آنها باشد.

هدف غایی در رویکرد اجتماع‌مدار این است که انسان ضرورت تشکیل جامعه و حضور در اجتماع را درک کند. علاوه بر آن نقش اجتماعی خود را روشن کرده و آگاهانه مشخص سازد که به عنوان فردی از جامعه کجای این بنا قرار گرفته و چه مسئولیتی را بر عهده دارد. در نتیجه بتواند جامعه‌ی مطلوب و متعالی را به عنوان فردی متعهد تشخیص داده و رقم بزند.